

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۵۸، دوره هشتم
سال دوازدهم، ۲۷ تیر ۱۳۷۴

بازسازی مناطق جنگ زده از ادعا تا واقعیت

روزی نیست که سران جمهوری اسلامی از دستاوردهای کشور و روند پیروزمند بازسازی سخن نگویند. یکی از عرصه هایی که رژیم همواره نسبت به آن حساسیت نشان داده مناطق جنگ زده کشور است و چنین مدعی است که بخشی از کمبودهای اقتصادی فعلی به دلیل متوجه ساختن بخش قابل ملاحظه ای از بودجه کشور به امر بازسازی مناطق جنگی پدید آمده است. روزنامه "سلام" اخیراً گزارش گویا و تکان دهنده ای با عنوان «مرثیه ای بر ویرانه های خرمشهر» منتشر کرده است که ما گوشه هایی از آن را برای روشن تر شدن این ادعاهای سراسر دروغ دولتمردان جمهوری اسلامی عیناً درج می کنیم: «... زمانی که به یاد اشک های پیر زن عرب زبان خرمشهری افتادیم که فریاد می زد: «کورم و پشیمانم، ای کاش برنکشته بودم»... زمانی که به یاد آن نگاه مظلومانه «رضا» نوجوان ۱۲ ساله خرمشهری افتادیم که می گفت: به خاطر اینکه لباس ندارم، و به خاطر اینکه پول ندارم ادامه در ص ۲

دیدار
رفیق علی خاوری
با رفیق حمید موسی
رئیس حزب
کمونیست عراق

ص ۸

۵۰ میلیارد سود
گم شده شرکت
های دولتی به
جیب چه کسانی
می رود؟

علی رضا رخشنده رو، رئیس «دیوان برای استیفای حقوق بیت المال» در مصاحبه ای با روزنامه های مجاز کشور از جمله اعلام کرد: «از ۴۰۰ شرکت دولتی که لیست آنها در قانون بودجه ذکر شده فقط ۵۴ شرکت حساب خود را ارائه کرده اند... این ۵۴ شرکت باید طبق قانون بودجه، ۹۶ میلیارد ریال مالیات پرداخت می کردند، اما رقم پرداخت شده حدود ۲۰ میلیارد ریال بوده است... شرکت های دولتی باید در سال ۷۱ حدود ۱۶۵ میلیارد ریال سود داشته باشند در حالی که طبق گزارش مجامع عمومی این شرکت ها سود حاصل ۱۱۲ میلیارد ریال بوده است... امروز اکثر امور وزارت خانه ها از طریق شرکت های تحت پوشش آنها اداره می شود و خرج هایی را که مطابق قانون و مقررات عمومی از طریق وزارت خانه ها انجام نمی شود از طریق این شرکت ها صورت می گیرد» (روزنامه "رسالت"، ۱۴ تیرماه ۱۳۷۴).

به این می گویند «نظام نمونه اسلامی که به سرعت در حال پیشرفت است»! آقای رخشنده در مصاحبه خود معلوم نکرد که بالاخره تکلیف ۵۳ میلیارد سود گم شده شرکت های دولتی که تازه آنها مربوط به سال ۷۱ است چه می شود و

ادامه در ص ۳

روحانیت حاکم، مهمترین سد راه هرگونه تحول به سمت دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران

مجله «عصر ما» - ارکان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در شماره ۷ تیرماه خود از جمله نوشت: «ما کلیه طیف ها را از ائتلاف با راست سنتی بر حذر می داریم. به اعتقاد ما کلیه طیف ها و جریانات فکری و سیاسی که معتقد به فضای باز سیاسی و برخورد سالم آراء و عقیده هستند با تمام توان از روندی که منجر به حاکمیت انحصاری یک طیف خاص خصوصاً طیفی که از نظر تئوریک حقی برای مردم و حقوق و آزادیهای آنان قایل نیست، جلوگیری به عمل آورند و ... عموم ... را به مقابله با آنها دعوت می کنیم...» و در ادامه و توضیح علل و ریشه بحران کنونی می نویسد: «جریان راست سنتی معتقد است ولایت و قدرت از سوی خداوند به فقها و نایبان عام امام عصر تفویض شده و آنها نیز تنها در برابر خداوند مسئول هستند. با توجه به چنین اعتقادی، رای مردم زینتی تلقی می شود ...»

(همانجا).
کاظم انبار لویی، سردبیر روزنامه "رسالت" - ارکان گروه ساواک ساخته حجتیه و جناحی که هم اکنون حاکمیت جمهوری اسلامی را عمدتاً در دست خود دارد در سلسله مقالاتی که در روزنامه "رسالت" ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ تیرماه انتشار یافت ضمن برخورد شدید با این نظرات، پاسخ رژیم را چنین فرمول بندی کرد: «یک جریان خطرناک همواره از ابتدای انقلاب علما و فقها و سربازان واقعی انقلاب را نشانه گرفت ... آنان برای مقصود خود چند قلم حرف مسموم دارند که همواره تکرار می کنند. ۱- روحانیت طرفدار سرمایه داری است. ۲- روحانیت به آزادی های سیاسی مردم اعتنا ندارد و معتقد به دیکتاتوری است. ۳- روحانیت انحصار قدرت را در دست خود می خواهد و به هیچ گروه و دسته ای نمی ادامه در ص ۲

آزادی در دو «منشور»

کمیته مرکزی حزب توده ایران در آذر ماه ۱۳۷۲ است. ما خوشحالیم که سازمان مجاهدین خلق ایران پس از سال ها تهمت و افترا به حزب توده ایران آنچنان نظراتش متحول شده است که بیش از ۹۰٪ از برنامه پیشنهادی حزب توده ایران را به مثابه برنامه عمل خود پذیرفته است! چنین تحولی خصوصاً پس از اعلام اینکه نظرات حزب توده ایران «متعفن»، «فاسد»، و «طرفدار دیکتاتوری خمینی» است، از سوی رهبری سازمان مجاهدین و شخص مسعود

ادامه در ص ۳

بر اساس گزارش هفته نامه «ایران زمین»، خانم مریم رجوی یکی از اعضای رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در سخنانی که برای اعضا و هواداران این سازمان، از طریق ماهواره، در آنان ایراد کرد، منشوری را به نام «منشور آزادی های اساسی در ایران فردا» به مثابه برنامه این سازمان برای رسیدن به دموکراسی در ایران اعلام نمود. نخستین نکته ای که در منشور فوق توجه را به خود جلب می کند یکسان بودن بسیاری از بندهای این منشور با «منشور آزادی» اعلام شده از سوی

زنده باد آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

روحانیت حاکم، مهمترین ...

دهد...» (رسالت ۱۰ تهرماه) و به گفته انبار لویی « هر وقت می خواهید جریان به قول خودتان راست سنتی را ترسیم کنید یک روحانی را در کنار یک بازاری قرار می دهید و هو می کنید! درست مثل تحلیل کمونیست ها از مجامع، بورژوازی! چرا خاستگاه، تکیه گاه و پیوندهای اجتماعی آنها را تجار بازاری، پیشه وران و کاسبان معرفی می کنید...» (رسالت ۱۲ تهرماه) و بالاخره موضع حاکمیت پیرامون آزادی و «ولایت فقیه» از زبان کاظم انبار لویی «اگر ولایت را از خدا و رسول و ائمه اطهار نمی دانید، بگوئید؟! اگر در میانی ولایت فقیه تردید دارید چرا رودرپایستی دارید؟! اگر می خواهید بگوئید رای مردم منشأ مشروعیت است، کلی مشکل تئوریک پیدا می کنید... یک نظام الهی مشروعیت خود را از خدا و احکام شرع می گیرد و مقبولیت خود را از مردم...» این اولین بار در تاریخ است که یک ملت با این وسعت «حکم خدا» را کردن نهاده اند...» (رسالت ۱۱، تیرماه ۱۳۷۴).

حزب توده ایران از نخستین سازمانهای سیاسی کشور بود که به روشنی اعلام کرد ساختار «ولایت فقیه» که اساس حکومتی رژیم را تشکیل می دهد، مهمترین سد راه هرگونه تحول مترقی در کشور ما است. سیر حوادث و تجربه عملی مبارزه و درگیری با رژیم ضد مردمی صحت این ارزیابی حزب ما را هر روز برای بخش های وسیع تر و گسترده تری از نیروهای سیاسی کشور روشن می کند.

دیگر هر کسی پوشیده نیست که تمامی قوانین کشور، از جمله قانون اساسی، اوراق بی اعتباری هستند در دست «ولی فقیه» که هر آن اراده کند، می تواند آن را نفی کند و تغییر دهد و یا کلاً ملغی کند. تمامی ساختارهای کلیدی رژیم، از جمله شورای نگهبان، شورای تعیین مصلحت با هدف خدمت به نهاد «ولایت فقیه»

که چیزی جز حاکمیت انحصاری یک فرد بر حکومت نیست، تعیین و تشکیل شده اند. گروه های حاکم خصوصاً کسانی که بیش از دیگران زیر پرچم «ولایت فقیه» سینه می زنند، خوب می دانند که جمهوری اسلامی مدت ها است هرگونه مشروعیتی را در نزد توده های مردم از دست داده است. والا برای رژیم چه ضرورتی داشت تا ده ها هزار تن دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شوند تا صدای آزادیخواهی در ایران ناپود گردد. اگر غیر از این بود گزیمکان رژیم لازم نبود تا با سلاح های سنگین، هلیکوپتر و آتش افزارهای مرکب هزاران تن از مردم عادی، غیر مسلح و به جان آمده را در خیابان های «اسلام شهر»، قزوین، مشهد، شیراز، تبریز، و دیگر شهرهای ایران کشتار کنند تا روحانیت حاکم بتواند به حیات خود ادامه دهد. اگر جز این بود، لازم نبود تمامی احزاب و سازمان های سیاسی در ایران غیر قانونی اعلام شوند و حتی خانه و مراکز درس شخصیت های برجسته جنبش

اسلامی شرکت کننده در انقلاب مانند آیت الله منتظری و اخیراً کسانی مانند آیت الله لنگرانی و آیت الله بهجت را به دستور دادگاه ویژه روحانیت و توسط نیروهای مزدور رژیم با شعارهای «مرگ بر ضد ولایت فقیه» مورد یورش قرار گیرند. مگر همین ساختار ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» نیست که نمی گذارد، انتخابات آزاد در ایران برگزار شود و از طریق شورای نگهبان هر کاندیدای مخالفی را هرچند مذهبی به بهانه های مختلف حذف می کند. مگر با اتکا به فرمان «ولی فقیه» نبود که ایران بعد از باز پس گیری خرمشهر بیش از ۶ سال در آتش جنگ خانمان سوز سوخت و صد ها هزار جوان دیگر ایرانی کشته و معلول شدند تا شاید شعار بیمار گونه «فتح کریلا» تحقق پذیرد. و بالاخره مگر به دستور «ولی فقیه» نبود که علی رغم مفاد قانون اساسی و حتی رای «دادگاه های انقلاب اسلامی» دستور کشتار هزاران زندانی سیاسی صادر و بر اساس آن بزرگترین کشتار سیاسی تاریخ معاصر کشور ما سازماندهی شد. اگر کسی کوچکترین شککی در نقش مخرب اصل حاکمیت انحصاری روحانیون در کشور ما، که از طریق ساختار «ولایت فقیه» اعمال می شود دارد، کافی است به شرایط دهشتناک، فقر و بدبختی، محرومیت، اختناق و حرکت سریع کشور به لبه پرتگاه نابودی نگاه کند تا دریابد، در سایه رژیم «ولایت فقیه» بر کشور چه گذشته است و مشروعیت رژیم در حکومتش بر ایران چه اندازه است. امروز پس از شانزده سال تجربه عینی رژیم «ولایت فقیه»، دوران تصورات ساده لوحانه به سر آمده است. کسانی (از جمله دکتر یزدی دبیر کل جدید نهضت آزادی) که هنوز امیدوارند می توانند «در چارچوب قانون اساسی» جمهوری اسلامی، که علی رغم بندهای مثبت و مترقی آن تماماً در

زیر یوغ اصل «ولایت فقیه» اسیر است، به آزادی و دموکراسی در ایران دست یابند، به گمان ما نه شرایط را درست درک کرده اند و نه به ماهیت و عملکرد واقعی روحانیت حاکم پی برده اند. آزموده را آزمودن خطاست. روحانیت حاکم آزمون خود را به مردم ما پس داده است. روحانیت حاکم منافع کاستی نیرومندی برای حفظ خود در هرم حاکمیت دارد و از تمامی نیرو و توان سرکوب ساخته و پرداخته نیز برای این منظور استفاده خواهد کرد. یورش به روزنامه های مخالف، قانون جدید مطبوعات برای خفه کردن هرگونه ندای مخالفی در درون کشور، تشدید فشار به گروه های مخالف از هر طیف و گروه فکری در کنار تشدید فزاینده حضور و آمادگی نیروهای امنیتی برای سرکوب هرچه وسیع تر مردم، نشانگر ماهیت واقعی و برنامه روحانیت حاکم برای حفظ رژیم ضد مردمی و غیر دموکراتیک «ولایت فقیه» است.

مبارزه برای طرد و از بین بردن این ساختار ضد مردمی، اکنون به عمده ترین وظیفه همه نیروها، گروه ها و شخصیت های آزادیخواه بدل شده است که به آینده ایران و آزادی آن از چنگال استبداد می اندیشند. شرایط کشور هر روز بحرانی تر و خطرناک تر می شود، آنچه مسلم است این است که روحانیت حاکم به صورت داوطلبانه حاضر نخواهد شد تا دست از کرسی های قدرت بردارد و راه را برای استقرار دموکراسی و آزادی در کشور بکشد. تنها راه چاره، تشدید مبارزه از راههای گوناگون علیه این رژیم ضد مردمی است. این امر تنها با ائتلاف و همکاری و هماهنگی وسیع ترین اقشار مردم و نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور ممکن است.

بازسازی مناطق جنگ زده از ادعا تا ...

دیگر به مدرسه نمی روم. زمانی که به یاد گفته آن زن خرمشهری افتادیم که می گفت، بچه هایم مریض هستند، دخترم بیماری پوستی قارچ گرفته، بچه دیگرم انکل خونخوار دارد. زمانی که این گفته به یادمان می آید که هر بچه ای که در خرمشهر بدینا می آید والدینش بایستی «بالاجبار یک واحد خون بپردازند. زمانی که امام جمعه شهر فریاد برآورد «ستاد معین» به یک پیمانکار و دلال بدل شده است. زمانی که مسوولان عکس های دیگر پارک های کشور را به جای پارک احداث شده در خرمشهر به ما قالب می کنند... و زمانی که به یاد حرفهای آن پیرمرد خرمشهری می افتیم که می گفت، ما قبر نشین هستیم. مانده ایم که گزارش را چگونه شروع کنیم؟... نمی توانستیم باور کنیم که کاری صورت نکرده است. چرا که خودمان اخبار تکمیل و پیشرفت بازسازی آنها را با آب و تاب درج نموده بودیم و حالا جز سرابی جلوی رویمان نبود ولی آنچه بود، نه آمار و ارقام که واقعیت های تلخ خرمشهر بود... و اینک پس از حدود شش سال آقای میرزاده، معاون ریاست جمهوری در بازسازی، عکس ارائه شده خبرنگاری را که حاکی از عمق ویرانی به جای مانده از جنگ در خرمشهر است، کذب می نامد و عکس پارک مدرنی را نشان می دهد، مشت گونه خروار است. «ما در خرمشهر این کارها را کردیم...» و اکنون ما اشک بر چشم، در میان خرابه های جنگ قدم می زنیم و با کودکان پابرنه و شکم کرسنه در خانه های ویران و مادران نگران از آینده آنان و پدران جوانی که از بیکاری در خانه نمیده اند و خون می گریند سخن می گوئیم. از قدیم گفته اند: جمع نقیض محال است و ما مانده ایم که آمار دولتمردان را باور کنیم یا خرابه های خرمشهر را؟ قسم حضرت عباس یا دم خروس را؟ ...» (روزنامه «سلام»، ۵ تیرماه ۱۳۷۴).

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

آزادی در دو «منشور»

را دو چندان می کند. نیرویی که اکثر نیروهای سیاسی، احزاب و سازمان های اپوزیسیون ایرانی را «دنبالچه» و «زائده» رژیم خمینی و یا شاه اعلام کرده است، بدیهی است که به موجب همین ارزیابی، بخش اساسی نیروهای سیاسی کشور از نهضت آزادی تا حزب توده ایران را نیز در چارچوب همان «دستجات طرفدار خمینی» و غیره قرار می دهد و از هم اکنون حکم غیر قانونی بودن آنها را صادر کرده است.

تفاوت بسیار فاحش دیگری که در دو منشور جلب نظر می کند. اصل «حق مردم در تعیین نوع و ترکیب حکومت آینده» کشور است که ما به مثابه یکی از کلیدی ترین بخش های «منشور آزادی» بر آن تأکید ورزیده ایم. حذف این اصل کلیدی از منشور اعلام شده از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به گمان ما اتفاقی نمی تواند باشد. سازمانی که از هم اکنون بدون توجه به نظر و آراء مردم ایران برای آنها «رئیس جمهور» و «اعضای کابینه دولت» آینده را تعیین کند و وعده تبدیل رژیم «ولایت فقیه» را به رژیم «قاعده اعظم» بدهد، بدیهی است که نمی تواند به انتخاب آزاد، نوع و ترکیب حکومت آینده ایران باور داشته باشد.

کوتاه سخن، تفاوت ها میان «منشور آزادی» ما و «منشور آزادی» سازمان مجاهدین خلق ایران، تفاوت هایی کلیدی و اصولی است؛ تفاوت میان اعتقاد و مبارزه برای تأمین واقعی آزادی، نه فقط برای یک سازمان و گروه، بلکه برای همه نیروهای سیاسی کشور، با مبارزه برای تأمین آزادی برای یک گروه و یک طرز تفکر خاص است؛ تفاوت میان اعتقاد به تصمیم اکثریت مردم ما در تعیین نوع و ترکیب حکومت آینده و تعیین و انتصاب غیر دموکراتیک آن از سوی یک فرد است؛ تفاوت میان اندیشیدن به آینده کشور و نجات آن از شرایط دهشتناک کنونی و استقرار واقعی دموکراسی و آزادی با تأمین منافع تنگ نظرانه یک گروه است!

احزاب، اجتماعات و جمعیت های سیاسی و اتحادیه ها، انجمن ها، شوراهای و سندیکاهای مختلف - جز دستجات وفادار به دیکتاتوری شاه و خمینی کاملاً آزادند...» (هفته نامه «ایران زمین»، شماره ۵۵، اول تیرماه ۱۳۷۴).

آنچه در این بند به مثابه بند تضمین کننده آزادی آمده است، «اما»ی بسیار بزرگی است که قاعده تفسیر و تعیین حدود و مرز آن نیز با رهبری سازمان مجاهدین خلق است. بحث ما در اینجا دفاع از این یا آن گروه نیست. حزب ما در سال های اخیر مواضع قاطعی علیه نیروهای طرفدار سلطنت به مثابه نیرویی که برای بازگشت دیکتاتوری به ایران فعالیت می کنند، اتخاذ کرده است و از جمله نخستین نیروهای عمده سیاسی کشور بود که با قاطعیت اعلام کرد، نیروهای طرفدار سلطنت نمی توانند در چارچوب یک ائتلاف مردمی بکنجند. بحث ما در اینجا دفاع از حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی همه احزاب و سازمان های سیاسی ایران است. بر اساس چنین درکی بود که ما از تأمین بدون قید و شرط آزادی احزاب، گروه های سیاسی، صنفی و ... در «منشور آزادی» سخن گفتیم، علی رغم آنکه با بسیاری از نیروهای سیاسی کشور از جمله خود سازمان مجاهدین خلق ایران مرزبندی های مشخص و روشنی نیز داریم. در تمامی دوران حکومت استبدادی و وابسته سلطنت پهلوی ادعای هیئت حاکمه این بود که در ایران همه آزادند، به جز کسانی که علیه حاکمیت و امنیت ملی قیام کرده اند. و با همین پیش شرط هزاران مبارز راه آزادی به زندان ها روانه شدند و یا جان خود را در راه مبارزه علیه رژیم پلیسی حاکم از دست دادند. رژیم کنونی نیز می گوید همه گروه های سیاسی آزادند به جز گروه های «منافق و ملحد» و «ضد ولایت فقیه». از درون همین «اکر و اما» ها است که حکومت های دیکتاتوری و خودکامه بیرون می آیند. نگاهی به موضع گیری های رهبری سازمان مجاهدین خلق در سال های اخیر نه تنها این نگرانی را کاهش نمی دهد، بلکه آن

رجوی، بی شک تحولی است که ما پیرامون آن در آینده بیشتر خواهیم نوشت.

دومین نکته ای که در منشور اعلام شده از سوی خانم مریم رجوی جلب توجه می کند، آن ده درصد تفاوت میان «منشور آزادی» ما و «منشور آزادی» آنها، بندهایی است که در آن اساس فکری کنونی حاکم بر سازمان مجاهدین خلق ایران کنجاند شده است و ما با آن مرزبندی مشخص و قاطع داریم. نخست قبل از توضیح بیشتر این مرزبندی ضرور است تا به بندهای مندرج در «منشور آزادی» حزب توده ایران اشاره کنیم.

« - تأمین حق بلامنازع شهروندان در تعیین و انتخاب نوع و ترکیب حکومت مرکزی از طریق مراجعه مستقیم به آراء عمومی ؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی اندیشه، مذهب، بیان و تشکل ؛

- تأمین بدون قید و شرط آزادی مطبوعات با هر دیدگاه فکری، فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی و صنفی با هر دیدگاه فکری، فلسفی، سیاسی و یا مذهبی ؛
- تأمین برابری حقوق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان و مردان و از بین بردن کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان ؛

- تأمین حقوق ملی خلق های ایران در چارچوب یک ایران آزاد، مستقل و دموکراتیک ؛
- تأمین بدون قید و شرط آزادی اقلیت های مذهبی از جمله زردتشتیان، ارامنه، کلیمنیان، آسوریان، بهائیان و غیره ؛
- انحلال کلیه ارکان های تفتیش عقاید، سرکوب و ترور در جامعه ؛

- جدایی کامل دین از حکومت ؛
- تأمین حاکمیت ملی ایران بر پایه استقرار روابط دوستانه، برابر و عادلانه با تمامی کشورهای منطقه و جهان. « (از «منشور آزادی» مصوب سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - نقل از «نامه مردم»، شماره ۴۱۶ - ۱۶ آذر ماه ۱۳۷۲)

در «منشور آزادی های اساسی در ایران فردا»، اعلام شده از سوی خانم رجوی از جمله می خوانیم: « ۱- در ایران فردا، عقیده و بیان و قلم و مطبوعات کاملاً آزاد و هرگونه سانسور و تفتیش عقاید ممنوع است. ۲- در ایران فردا،

۵۰ میلیارد سود گم شده شرکت های دولتی ...

های کم شده در جمهوری اسلامی است. افزون بر این کهکاد در جمهوری اسلامی، خصوصاً در پی برخوردهای گروه های مختلف باهم پته نزدیکان سران رژیم به آب می افتد و کوشه هایی از ارقام واقعی این کلاهبرداری ها روشن می شود. در همین هفته های اخیر با آغاز کار محاکمه متهمین به اختلاس در بانک صادرات

کدام مرجع، مقام و یا بهتر بگوئیم وزارتخانه درباره آن پاسخگو است. البته یافتن کسانی که ثروت های کشور را به غارت می برند کار دشواری نیست، نگاهی به زندگی افسانه ای سران رژیم که در خانه های مجلل چند میلیاردی با محافظ مسلح و ماشین های ضد کلوله زندگی می کنند، پاسخگوی مامن و جای اصلی پول

روشن شد که چهره های صدرصد «حزب اللهی، مومن و مبارزی» مانند « مرتضی رفیق دوست مبلغ ۴۲ میلیارد ریال، زهرا محتشمی مبلغ ۲۷ میلیارد ریال، فاضل خداداد مبلغ ۳۰۵ میلیارد ریال و بهروز یار خدایی مبلغ ۸۴۹ میلیارد ریال » که مجموعاً رقمی معادل ۱۲۲۰ میلیارد ریال می شود که از اواخر سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۲ از «بیت المال» مملکت به سرقت برده اند.

اعمال نفوذ در پرونده جلال الدین فارسی، قاتل

خانواده محمد رضا خاچی، مردی که سه سال پیش به وسیله جلال الدین فارسی کشته شد، با اعمال نفوذهایی رویه رو شده اند. در بهمن ماه سال ۱۳۷۲، از سوی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور حکم صادره از سوی شعبه ۱۲۵ کیفری یک - علیه جلال الدین فارسی، متهم به قتل عمد محمد رضا خاچی - مبنی بر براءت از قتل عمد و پرداخت دیه نقض شد و از آن تاریخ تاکنون پرونده برای رسیدگی مجدد، به شعبه مربوط ارجاع نشده است.

قوه قضائیه بی نظیر در دنیای رهبر حکومت اسلامی

سید علی خامنه ای در دیدار با مسوولان قوه قضائیه گفت: « بر اساس يك قضاوت منصفانه می توان گفت که قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران به لحاظ در اختیار داشتن شمار زیادی از انسان های پاك و مومن و نیز مجتهد و عادل بودن ریاست آن، در دنیا بی نظیر است. اساس کار دستگاه قضایی در ایران بهتر از هر جای دیگر است... » (روزنامه "سلام"، ۸ تیرماه ۱۳۷۴).

و به روایت روزنامه "رسالت"، (۸ تیرماه ۱۳۷۴): «اگر بخواهیم انصاف را رعایت کنیم باید بگوئیم قوه قضائیه ما با این ترکیب تا آن جا که ما از وضع دنیا اطلاع داریم بی نظیر است، زیرا در آن انسان های پاك و مومن خدمت می کنند و ریاست این قود را مجتهدی عادل بر عهده دارد... انصافاً قرار و اساس کار در اینجا از نقاط دیگر دنیا بهتر است... »

نمونه دیگر از آثار «قوه قضائیه بی نظیر در دنیا»

افراد حزب الهی در قم، هفته گذشته، به دستور دادگاه روحانیت به خانه آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بهجت حمله کردند و با شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه، کتابخانه و بیرونی منزل آنان را غارت کردند. ناگفته نماند که این دوتن از جمله کسانی بودند که پس از مرگ آیت الله کلپایگانی از جمله ۵ نفری بودند که به مثابه مراجع تقلید از سوی حوزه علمیه و سایر مراکز نام برده شده بودند فاضل لنکرانی و بهجت هر دو از نزدیکان خمینی و پشتیبانان حکومت اسلامی بوده اند.

انسجام ملی، صعود ارزش ریال، خودکفایی، امیدواری و علاقمندی مردم به دولت، ابراز رای آزادانه در انتخابات

این ها از جمله تصویرهایی است که



هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ای با خاتم کریستین امان پور، خبرنگار آمریکایی ایرانی تبار شبکه تلویزیون سی ان ان - CNN - آمریکا، از حکومت اسلامی ارائه کرد. رئیس جمهور حکومت اسلامی در پاسخ خبرنگار درباره آثار و مشکلات ناشی از تحریم آمریکا گفت: «تاکنون که نه تنها تأثیری نداشته است، بلکه آثار مثبتی هم برای ما داشته است. اقتصاد ما واقعاً وابسته به آمریکا نیست که آسیب پذیر باشد (توضیح: تا همین اواخر ۲۵ درصد نفت ایران را کمپانی های آمریکایی می خریدند). اثر مثبت تحریم هم این بود که مردم ما متوجه شدند شرایط خاصی را در پیش داریم و لذا «انسجام ملی» ما بیشتر شده و تصمیمات اقتصادی که ما گرفتیم - در این شرایطی که به وجود آمد، آسانتر شد (تفسیر: بر اثر انسجام ملی و تصمیم های اقتصادی، مسأله مسکن برای میلیون ها ایرانی بی خانمان، مسایل فقر اکثریت مردم، گرانی سرسام آور فزاینده کالاهای مورد نیاز مردم ناتوان از دسترسی منظم حتی به نان و پنیر، و نبود یا کمبود کالاهای اساسی مورد نیاز در بازار، ناکهان و در یک چشم برهم زدن، به صورت معجز آسا حل شد!) - همانطور که می بینید «روند ارزش ریال صعودی است» و هم چنین در بازار، «تورم در این يك ماد اخیر بعد از اقدام آمریکا به میزان زیادی پائین آمده است» (تفسیر: تورم هم بر اثر درک «شرایط خاص» و «انسجام ملی» ناکهان روابط قانونمند خود را با علل و عوامل پدید آورنده خویش گسست و به پای خود پائین آمد!)، نگران آینده هم نیستیم... هم اکنون سعی می کنیم خودمان قطعات مورد نیاز را بسازیم و اکثر نیازهایمان در ایران تأمین می شود...»

خبرنگار در پرسشی دیگر گفت: «شش سال پیش دو گروه از مردم به آینده امیدوار بودند. داخلی ها می گفتند آزادی ها را بیشتر می کنند و خارجی ها می گفتند که آدم مهانه رویی روی کار آمده است. پس از شش سال آنها نا امید شده اند. آیا شما معتقدید آنها خود را کول می زده اند؟ آیا مجدد گرایی در سیاست های اسلامی زمینه دارد؟»

رفسنجانی در پاسخ گفت: «مردم ایران مانند شش ماه یا يك سال پیش به دولت خود

علاقه مندند. به عنوان مثال همین سفر اخیر من به آذربایجان. شما که در تهران هستید، فیلم هایی که از این سفر پخش شد ببینید مردم چقدر به دولت خود علاقه مند هستند و امیدوارند و آثار برنامه های دولت را در همه زمینه ها دارند، می بینند، طرح های زیر بنایی، کارهای عمرانی فراوان و کلی پیشرفت در دانشگاه ها و صنایع اساسی در مسایل فرهنگی و علمی همه چیز رویه پیش است... (توضیح: پاسخ آنانکه دوران رژیم پیشین حاکم بر ایران را تجربه کرده اند و نیز آگاهی از تاریخ رژیم های استبدادی در همه جا دارند، به رفسنجانی این است: مگر محمد رضای پهلوی که در آخرین سال های حکومتش به هر استان و شهری می رفت با «استقبال» عده ای «جاوید شاه گوی» روبرو نمی شد که یا مزدور رژیم بودند و یا مرعوب و مجبور؟ مگر چنین صحنه هایی در هر کشور استبداد زده، مکرر دیده نشده است و نمی شود؟)

جای دیگر، خبرنگار به وی گفت: «نمی خواهم به شما شوک وارد شود، اما ماه گذشته که در ایران بودم با خیلی از مردم صحبت کردم. خیلی از مردم از طبقات مختلف جامعه و در نقاط مختلف شهر از گرانی باور نکردنی «کمبود» (به جای «نبود») آزادی های سیاسی ناخرسند بودند. بسیاری از مردم می گفتند انقلاب تغییر جهت داده است. آنها می گفتند که ما انقلاب کردیم که نه تنها در داخل آزادی داشته باشیم، بلکه در جهان هم استقلال داشته باشیم و این وضع آنها را ناامید کرده بود. این بیشتر مخصوص کسانی بود که شما را برگزیده اند...»

و او ضمن طفره روی در خور انتظار و بی آنکه درباره گرانی کمر شکن و مسایل لاینحل مسکن و بهداشت و ده ها مسأله دیگر که توده های زحمتکش و محروم ایران را زیر فشار روزافزون جان فرسای خود می آزارد، سخن بگوید، پاسخ داد: «من نمی دانم شما با چه کسی ملاقات و مذاکره کردید. توده های مردم، بیکره مردم، اینهایی هستند که هم در انتخابات رأی خود را ابراز می کنند و هم در صحنه های ملی حرف خود را بیان می کنند. توده مردم غیر از این است که شما در ملاقات با افراد خاصی نتیجه گرفتید. يك بار هم با ما به مسافرت بیابید و می فهمید که واقعیت ایران چیست...»

خبرنگار با تأکید بر مسأله آزادی مخالفان و احزاب مخالف در انتخابات، پرسید: «آیا پس از شانزده سال که از انقلاب می گذرد، هنوز دولت جمهوری اسلامی احساس امنیت نمی کند که بگذارد مخالفان و احزاب مخالف هم در انتخابات شرکت کنند؟» (اشکال در سؤال خبرنگار: فلسفه حکومت، مبتنی بر تأمین حقوق و از جمله حق امنیت مردم و این اصل است که این مردم هستند که حق دارند احساس امنیت کنند، نه دولت ها به جای آنان.)

درآمد منجر خواهد شد.

بالا گرفتن تشنج در سرزمین های فلسطین اشغالی

عدم موفقیت مذاکرات سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و دولت اسرائیل برای گسترش مناطق خود مختار به شهرهای کرانه غربی رود اردن، جو بسیار متشنجی را در نواحی اشغالی ایجاد کرد. در تظاهرات گسترده ای که یادآور قیام مردم فلسطین (انتفاضه) بود بخش های وسیعی از ساکنان این مناطق مخالفت خود را با تعلق و «وقت کشی» دولت اسرائیل از یک سو و سیاست های مامشات گرایانه یاسر عرفات از سوی دیگر اعلام داشتند. بر اساس توافق قبلی قرار بود نیروهای اشغالگر اسرائیلی روز ۱۰ تیرماه از مراکز اصلی مسکونی کرانه غربی عقب بنشینند و کنترل اداری این مناطق را به حکومت خودمختار فلسطین که مرکز آن در غزه قرار دارد بسپارند. بر اساس همین توافق همچنین قرار بود تمامی زندانیان فلسطینی از زندان های دولت اسرائیل آزاد شوند و زمینه برگزاری انتخابات عمومی در این مناطق مهیا گردد. دولت اسرائیل به بهانه آنکه دولت خود مختار فلسطینی نتوانسته است از حملات گروه های افراطی مسلمان به اسرائیل جلوگیری کند، از اجرای موافقتنامه صلح ۱۹۹۳ سر باز می زند. شیمون پرز در روز ۱۴ تیرماه اعلام کرد که اگر دولت خود مختار نتواند جلوی حمله علیه اسرائیل را بگیرد، طرح خودمختاری در کرانه غربی با شکست روبرو خواهد شد. آخرین گزارش ها حاکی از آن است که اسرائیل در ماه های آینده از ۴ شهر فلسطینی در کرانه غربی عقب نشینی خواهد کرد. بر اساس همین گزارش ها وضعیت شهر هبرون الخلیل که یهودیان مهاجر در بخش هایی از مرکز آن زندگی می کنند، توسط یک کمیته ویژه بررسی شود. دولت اسرائیل اعلام کرده است که همچنان کنترل انحصاری تمامی مناطق یهودی نشین و مسئولیت انتظامی تمامی خطوط ارتباطی به این مناطق را همچنان حفظ خواهد کرد. بر اساس گزارش روزنامه های اسرائیلی زندانیان سیاسی فلسطینی که در حال حاضر در اعتصاب غذا به سر می برند، تا نوامبر سال جاری و قبل از برگزاری انتخابات عمومی در این مناطق، آزاد خواهند شد.

کودتای ناموفق نظامی در عراق

بر اساس گزارش هفته نامه "دفاعی جینز" (Janes Defence Weekly) - ۱۷ تیرماه ۱۳۷۴، صدام حسین کارد ریاست جمهوری خود را از افسران ناراضی تصفیه کرده است. بر اساس همین گزارش این تصفیه ها در پی خیزش های مردمی که در اواخر خردادماه در

ادامه در ص ۷



قبرس و اتحادیه اروپا

رئوف دنکتاش، رهبر بخش ترک نشین قبرس اعلام کرد در صورتی که بخش یونانی زبان قبرس به اتحادیه اروپا بپیوندد، تقسیم جزیره قبرس به بخش ترک نشین و یونانی نشین همچنان ادامه خواهد یافت. دولت دنکتاش که از حمایت افکار عمومی جهان نسبت به دولت قبرس مطلع است، حمایت اتحادیه اروپا برای پیوستن قبرس به آن را کامی در جهت تشدید فشار برای ایجاد یک فدراسیون واحد شامل بخش ترک نشین و یونانی نشین در قبرس می داند. وی در همین سخنان اعلام کرد که چنین پیشنهادی در شرایط کنونی غیر عملی است. لازم به تذکر است که قبرس در سال ۱۹۷۴ به اشغال نیروهای متجاوز دولت ترکیه درآمد و بخش ترک نشین و یونانی نشین آن به زور از هم جدا شدند.

طرح ضد کارگری جدید دولت فرانسه

حزب کمونیست، سوسیالیست ها و اتحادیه های کارگری فرانسه، طرح «ضد اشتغال» نخست وزیر جدید، آلن ژوپن را به شدت مورد حمله قرار دادند. دولت دست راستی فرانسه مدعی است با این طرح جدید که به موجب آن مالیات های غیر مستقیم بر کالاها، مصرفی، مالیات بر سود و ثروت خصوصی افزایش یافته و همزمان با آن هزینه های دولت کاهش خواهد یافت، چیزی جز یک طرح علیه کارگران و زحمتکشان نیست. دولت ژوپن مدعی است که از طریق تشویق کارفرمایان و ایجاد تسهیلاتی برای آنان و از جمله معافی مالیاتی آنان را تشویق به استخدام ۷۰۰,۰۰۰ کارگر بیکار، خواهد کرد. نیروهای مترقی فرانسه در مقابل اعلام کرده اند که با اجرای این طرح کارفرمایان کارگران موجود خود را اخراج خواهند کرد تا با استخدام شماری از بیکاران از تسهیلات مالیاتی جدید بهره مند شوند. افزون بر این، نیروهای مترقی بر این عقیده اند که اجرای برنامه های جدید مالیاتی دولت در واقع به تشدید فشار بر اقشار کم

اعزام نیروهای نظامی آلمان به بوسنی

روز نهم تیرماه، پارلمان آلمان با اکثریت قابل توجهی با اعزام نیروهای نظامی و هواپیماهای جنگی به بوسنی در چارچوب نیروهای سازمان ملل متحد رأی مثبت داد. این نخستین باری است که پس از جنگ جهانی دوم، نیروهای نظامی دولت آلمان این امکان را می یابند که برای عملیات نظامی به خارج از مرزهای این کشور کسبل شوند. در چند سال اخیر و در پرتو «نظم نوین جهانی» دولت آلمان مترصد فرصت مناسبی بوده است تا به محدودیت ها و ممنوعیت های اعمال شده از سوی نیروهای متفقین پس از پایان جنگ جهانی دوم خاتمه دهد. معاون سخنگوی پارلمان، گرهارد هیرش اعلام کرد که در جریان این رأی گیری ۳۸۶ نماینده رأی موافق، ۲۵۸ نماینده رأی مخالف و ۱۱ نفر رأی ممتنع دادند. به گمان بسیاری از ناظران سیاسی این رأی پارلمان آلمان نقطه عطفی در سیاست خارجی این کشور به شمار می رود. لازم به تذکر است که در جریان بحث های مربوط به این لایحه برخورد های بسیار تند و حادی در پارلمان در گرفت. گروهی از اعضای هیئت پارلمانی حزب سوسیالیسم دموکراتیک با پوشیدن پیراهنی که بر روی آن نوشته بود «ما می گوئیم نه!» به مخالفت و اعتراض با این اقدام پرداختند. هیئت رئیسه پارلمان این گروه از نمایندگان مجلس را به دلیل عدم رعایت قوانین مربوط به لباس نمایندگان از حضور در جلسه بحث منع کرد.

لغو قرارداد همکاری کارگران و کارفرمایان در اسپانیا

کمیسیون های کارگری (CCOO) و اتحادیه های عمومی کارگران (UGT) که از بزرگترین مراکز سندیکایی اسپانیا محسوب می شوند، تصمیم گرفتند تا به توافقنامه خود مبنی بر تعدیل دستمزدها، که در سال گذشته، با کارفرمایان امضاء کرده بودند پایان دهند. سندیکاهای کارگری ضمن فسخ این موافقتنامه اعلام کرده اند که کارفرمایان بر خلاف قرار های گذاشته شده برای افزایش اشتغال در کشور به هیچوجه از درآمد های اضافی ایجاد شده به خاطر تعدیل دستمزدها به این منظور استفاده نکرده اند. بنابه اظهار نمایندگان اتحادیه های کارگری در حالی که سرمایه داران در این مدت ۲۳٪ میزان سود خود را افزایش داده اند، شمار کارگران شاغل ۱٫۴ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۴ نیز در حالی که سرمایه داران میزان سود خود را ۱۹٪ افزایش داده اند، میزان اشتغال نزول ۶ درصدی داشته است. در همین دوره افزایش دستمزدها زیر میزان تورم و حدود ۴٫۳ درصد بوده است. لازم به تذکر است که اسپانیا با ۲۳٫۶ درصد بیکاری، بالاترین رقم بیکاران در جمع کشورهای اتحادیه اروپا را داراست.

سخنرانی نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران در اجلاس «مرکز بین المللی اتحادیه های کارگری» پیرامون شرایط کارگران ایرانی

«رژیم اسلامی در ایران، فشار سیاست های شکست خورده و ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی خود را تماماً متوجه کارگران و زحمتکشان ایرانی کرده است. کارگران ایرانی در مقابل کار طاقت فرسا حقوق ناچیز دریافت می کنند، در شرایط دشوار و خطرناک محیط های کار قرار دارند و اجازه دفاع از حقوق خود را ندارند. ما برای حقوق کارگران ایرانی از جمله: قرارداد جمعی کار، حقوق مندرج در منشور جهانی حقوق بشر، حقوق مندرج در کنوانسیون بین المللی دفاع از حقوق سیاسی و مدنی، قوانین بین المللی کار که به روشنی اعلام می کنند کارگران باید از حق عضویت در تشکل های مستقل، حق اعتصاب، حق خودداری از کار اجباری، حقوق مساوی و... که تماماً در جمهوری اسلامی تقض می شود مبارزه می کنیم. ما خواهان تشدید فشار بر رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر رعایت کنوانسیون بین المللی کار و اعزام يك هیئت بین المللی مستقل بررسی سرکوب حقوق و آزادی دموکراتیک و صنفی به ایران هستیم.»

به تصویب رسیده است، و براساس بندهای ۱۳۰، ۱۳۱، و ۱۳۸ آن جمهوری اسلامی تنها «شوراهای اسلامی کار» را در برخی موارد و شرایط به رسمیت می شناسد. «شوراهای اسلامی کار» تشکل های تحت کنترل دولت هستند که در آن به دستور رژیم نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی و نماینده کارفرمایان حضور دارند. این تشکل ها در تضاد آشکار با کنوانسیون «سازمان بین المللی کار» - شماره ۸۷ و ۹۸ که حقوق کارگران در ایجاد تشکل های مستقل صنفی، حق کارگران برای مذاکره گروهی برای حقوق شان و قرارداد جمعی را به رسمیت می شناسد، هستند....

در طول شانزده سال گذشته گروه کثیری از فعالین کارگری و کارگران به دست نیروهای امنیتی رژیم دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شده اند. من در اینجا تنها اسامی تنی چند از این مبارزان را ذکر می کنم:

توفیق وثوقی - عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران چاپ
حسن جلالی - عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران چاپ
هدایت الله معلم - عضو رهبری سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک -

تهران
خانم سهیلا درویش - کارمند کارخانه دارو سازی تهران
مهرداد شکیبا - کارگر کارخانه ماشین سازی خودرو سازان (فیات) در تهران

علی مرادپور - کارگر خیاط و یکی از فعالین سندیکایی در تهران
پرویز الهی - یکی از نخستین فعالین کارگری در تهران و قزوین
حسن حسین پور تبریزی - از فعالین سرشناس جنبش کارگری
علی شناسایی - از فعالین سرشناس جنبش کارگری و ...

همچنین تعداد زیادی از فعالین جنبش کارگری نیز به مهاجرت ناخواسته وادار گردیده اند. که از جمله می توان از حسین نعمتی، دبیر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع، یدالله خسرو شاهی، یکی از فعالین سرشناس کارگران نفت، علی واحدی، از اعضای شورای کارگران برق در تهران، و اسدالله صادقی، دبیر سابق سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک و ده ها تن دیگر نام برد....»

نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی در ادامه سخنان خود به وضعیت دهشتناک زنان کارگر، کارگران خردسال، عدم وجود حمایت دولتی از حقوق کارگران و سرکوب وحشیانه اعتصاب های کارگری و روند عمیقاً غیر دموکراتیک تدوین و تصویب قانون کار اشاره کرد و نظرات و پیشنهادات مشخص کمیسیون ارتباطات سندیکایی را به اطلاع مرکز بین المللی اتحادیه های کارگری رساند و در پایان سخنرانی خود چنین نتیجه گرفت.

«رژیم اسلامی در ایران، فشار سیاست های شکست خورده و ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی خود را تماماً متوجه کارگران و زحمتکشان ایرانی کرده است. کارگران ایرانی در مقابل کار طاقت فرسا حقوق ناچیز دریافت می کنند، در شرایط دشوار و خطرناک محیط های کار قرار دارند و اجازه دفاع از حقوق خود را ندارند. ما برای حقوق کارگران ایرانی از جمله: قرارداد جمعی کار، حقوق مندرج در منشور جهانی حقوق بشر، حقوق مندرج در کنوانسیون بین المللی دفاع از حقوق سیاسی و مدنی، قوانین بین المللی کار که به روشنی اعلام می کنند کارگران باید از حق عضویت در تشکل های مستقل، حق اعتصاب، حق خودداری از کار اجباری، حقوق مساوی و... که تماماً در جمهوری اسلامی تقض می شود مبارزه می کنیم. ما خواهان تشدید فشار بر رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر رعایت کنوانسیون بین المللی کار و اعزام يك هیئت بین المللی مستقل بررسی سرکوب حقوق و آزادی دموکراتیک و صنفی به ایران هستیم.»

به دعوت شورای رهبری «مرکز بین المللی اتحادیه های کارگری»، نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران در اجلاس این سازمان مهم بین المللی حضور بهم رساند و رهبری این سازمان را در جریان مبارزات کارگران ایرانی قرار داد. لازم به تذکر است که «مرکز بین المللی اتحادیه های کارگری» که پنج سال پیش توسط فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری تأسیس شد یکی از مهمترین تشکل های بین المللی کارگران است. ما در اینجا بخش هایی از سخنرانی نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی را نقل می کنیم.

«همکاران محترم، خواهان و برادران عزیز! اجازه دهید تا به نمایندگی از سوی شورای هماهنگی کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، این فرصت را مغتنم شمرده و مراتب تشکر فعالین جنبش کارگری مترقی ایران را به شما که همواره از حقوق دموکراتیک و صنفی کارگران ایرانی و حقوق بشر در کشور ما دفاع کرده اید، ابلاغ نمایم. من امیدوارم که این نشست فرصتی باشد تا شما از نزدیک در جریان آخرین تحولات جنبش کارگری ایران و در مجموع اوضاع بسیار دشوار و طاقت فرسای کارگران ایرانی قرار گیرید. از آنجایی که ما قبلاً اسناد مفصلی را پیرامون تاریخ جنبش کارگری ایران و همچنین قوانین موجود کشور، خصوصاً در ارتباط با «شوراهای اسلامی کار» در اختیار شما قرار داده ایم، من در اینجا بیشتر به شرایط ایران در شانزده سال گذشته اشاره می کنم.

مردم ایران در شانزده سال گذشته، و خصوصاً کارگران و زحمتکشان شرایط حاد و دشواری را پشت سر گذاشته اند. بر اساس اعتراف غلامحسین ناد، نماینده مجلس شورای اسلامی، بیش از ۱۲ میلیون شهروند ایرانی در فقر شدید، و نزدیک به ۲۲ میلیون نفر دیگر در شرایط بسیار دشوار به زندگی خود ادامه می دهند. به گفته وی در شرایطی که نزدیک به ۷۰٪ جمعیت به شکلی در فقر و محرومیت بسر می برد بیش از ۵۰٪ از ثروت کشور در اختیار ۲۳۰ خانواده ایرانی قرار دارد. نماینده رژیم خود اعتراف می کند که ۲۳،۵٪ از جمعیت کشور بیکار است و ۵۰٪ از کارگران کشور نیز به کارهای تصادفی مشغولند، و به عبارت دیگر به کارهای نیمه وقت و موقت مشغول هستند. يك جوان ۲۴ ساله که تازه تحصیلات خود را تمام کرده و با حقوقی معادل ۱۲ هزار تومان استخدام شده است، می گوید «من حساب کرده ام در صورتیکه تصمیم به ازدواج داشته باشم و در صورتی که مبلغی بابت اجاره خانه، کرایه حمل و نقل، مراسم ازدواج، بهداشت و درمان نپردازم و ما تنها غذایمان در طول ۲۴ ساعت نان و پنیر باشد، من به سختی قادر خواهم بود با ۱۲ هزار تومان به زندگی خود ادامه دهم.»

دولت جمهوری اسلامی ایران در تمامی طول شانزده سال گذشته همواره از تأسیس تشکل های مستقل کارگری جلوگیری کرده است و در تمامی این سال ها حقوق صنفی و سندیکایی کارگران ایرانی به شکل سیستماتیک سرکوب شده است. نکته قابل توجه این است که رژیم جمهوری اسلامی در این مدت، هیچگاه به شکل رسمی حقوق سندیکاها و اتحادیه های کارگری را به رسمیت نشناخته است. در مواردی که تعداد محدودی اتحادیه و یا سندیکای کارگری توانستند در اوایل انقلاب تأسیس کردند، به فاصله زمانی کوتاهی، این تشکل ها غیر قانونی و منحل شدند. به عنوان نمونه پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، سندیکای کارگران نفت، سندیکای کارمندان بانک ها، سندیکاها کارگران خیاط، پانفده مکانیک، سندیکای کارگران شیشه کار، سندیکای چرم کاران و انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع که همگی تشکل های مستقل کارگری بودند تنها پس از دوران کوتاهی فعالیت توسط رژیم منحل و غیر قانونی اعلام شدند. بر اساس قانون کار فعلی رژیم جمهوری اسلامی که در سال ۱۹۹۰

ادامه اخبار داخلی ...

و رفسنجانی در پاسخ می گوید: «احزاب آزادند. الان هم ما مقدار زیادی حزب ثبت شده داریم. معمولاً احزاب آنقدر ضعیف هستند که وقتی وارد انتخابات می شوند، در جامعه برد زیادی ندارند...»

و در پاسخ به آخرین سخن خبرنگار که: «پس از ۱۶ سال اکثر علمای شما می گویند که روحانیون باید کنار می نشستند و با خدا رابطه برقرار می کردند و نه با قدرت...»، گفت: «اکثریت دولت غیر روحانی است. روحانی چون در میان مردم رأی دارد، کسانی که می خواهند رقابت کنند، رأی شان در مقابل آنها ضعیف می شود...» (؟!!!!) (نقل قول ها - روزنامه «اطلاعات بین المللی»، ۱۲ تیرماه ۱۳۷۴).

آزادی های مورد ادعای رفسنجانی با توجه به اختناق حاکم بر مطبوعات کشور

در خبرها آمده بود که گروهی از مأموران دولتی به هفته نامه «پیام دانشجوی» حمله کردند و مسوولان هفته نامه را تهدید کردند که آنان را در یک تصادف عمدی اتومبیل خواهند کشت. روزنامه «سلام» در شماره ۲۰ اردیبهشت خود ضمن بررسی برخی مشکلات مطبوعات در برخورد با مقام های «نظام» مدعی آزادی و عدالت مبتنی بر «قوانین مترقی» حکومت اسلامی، نوشت: «... مشکل اول این است که سلیقه ها و برداشت های اشخاص، مقدم بر قوانین قرار می گیرد. دوم اینکه صاحبان نفوذ و قدرت، و به پیروی از آنان

مجموعه ارکان ها و دستگاه های مختلف چنان محدودیت هایی را برای مطبوعاتی که باب میلشان نیست فراهم می کنند که صاحبان قلم های آزاد اگر برای همیشه از کار خود پیشیمان نشوند حداقل مشاهده مشکلات آنان درس عبرتی باشد برای دیگران که به این وادی وارد نشوند...»

نهضت آزادی از دشوار تر شدن شرایط کار و فعالیت مطبوعات در جمهوری اسلامی خبر داد و با انتشار بیانیه ای لایحه اخیر قانون مطبوعات را که از طرف دولت تهیه شده و قرار است در ماه آینده در مجلس مطرح شود مورد انتقاد قرار داد. نهضت آزادی اعلام کرد این قانون عاملی در راستای ایجاد محدودیت های بیشتر در آزادی های سیاسی و فرهنگی خواهد بود. به گزارش «رویتر»، در بیانیه نهضت آزادی همچنین آمده است که «تغییرات ضد دموکراتیک ناشی از این قانون در قانون مطبوعات، متضمن نتایج خطرناکی برای آزادی مطبوعات خواهد بود...» نهضت آزادی تأکید ورزید که «با تصویب این لایحه، روزنه کوچکی که در این سال ها به وسیله مردم در جهت آزادی مطبوعات گشوده شده بود، بسته خواهد شد...»!

و یک نمونه از آثار تصمیم های اقتصادی که رفسنجانی در مصاحبه از آن سخن گفت

روزنامه «سلام» در شماره ۸ تیرماه خود نوشت: «علی رغم اعلام رسمی وزارت بهداشت، مبنی بر عدم افزایش قیمت داروها در سال جاری، قیمت ۵۹ قلم دارو افزایش یافت... در اوایل هفته جاری وزارت بهداشت با ارسال لیستی برای کارخانه ها و شرکت های پخش دارویی،

دشوار نشان داده است که اعتقاد و باور ما به اصول علمی ایدئولوژی مان - مارکسیسم لنینیسم - موثرترین سلاح ما در مبارزه علیه کارزار کرکننده تبلیغاتی امپریالیسم جهانی است.

رفقای عزیز

حزب ما نیز در این مدت دوران سخت و دشواری را پشت سر گذاشته است. در پی یورش خونین جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۲، که به دستگیری بیش از ۱۰۰۰۰ عضو، هوادار و اعضای رهبری حزب ما منجر شد و علی رغم شکنجه و کشتار مرکزی، هیئت سیاسی و اعضای رهبری حزب ما، حزب توده ایران ققنوس وار از خاکستر شکست

گریخته است. بر اساس گزارش های واصل علی رغم سرکوب خونین قیام مردمی توسط گردان ۱۴ ژوئیه گارد جمهوری، ناآرامی ها در منطقه ابوقریب در ۲۰ کیلومتری غرب بغداد ادامه دارد. بر اساس اظهار نمایندگان اپوزیسیون درگیری ها همچنین در غرب کشور میان قبایل سنی نشین، که قبلاً از ستون های اساسی رژیم به حساب می آمدند با نیروهای

۵۹ قلم دارو را مشمول افزایش قیمت قرار داد. بنابه گزارش خبرنگار ما این داروها، تولید داخلی بوده و دربین آنها اشکال مختلف دارویی ... دیده می شود...». «سلام»، سپس نام چند قلم دارو را که قیمت آن ها از ۱۲ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است، برد. این روزنامه نوشت: «افزایش قیمت داروها در حالی صورت پذیرفته که معاون امور درمان و داروی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی مصاحبه ای در تاریخ ۷/۲/۷۴ ... اعلام کرده بود: «با برنامه ریزی های به عمل آمده، امسال قیمت داروها در سطح کشور هیچگونه افزایشی نخواهد یافت و کمبود داروها به ویژه آنتی بیوتیک های تزریقی حتی الامکان مرتفع می شود...» (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

مملکت از ناحیه اقتصاد، سیاست و دیانت در لبه پرتگاه سقوط است

آیت الله سید محمد صادق روحانی که با روح الله خمینی نیز نسبت سببی دارد و سال هاست از طرف حکومت اسلامی در خانه اش محبوس و ممنوع الملاقات است، در پایان نامه ای خطاب به هاشمی رفسنجانی نوشت: «در خاتمه به عنوان نصیحت می گویم تا دیر نشده است فکری برای این مملکت که از ناحیه اقتصاد، سیاست و دیانت، در لبه پرتگاه سقوط است، بنمائید والا...»

سید محمد صادق روحانی، علی رغم روابط خانوادگی با روح الله خمینی، از نخستین روزهای انقلاب نسبت به کشتارها، اعدام ها و دخالت روحانیون در امور اجرایی کشور به خمینی هشدار می داده است.

برخاسته است و به مبارزه خود ادامه می دهد. امروز شانزده سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، کشور ما باردیگر در یک دو راهی بزرگ تاریخی قرار گرفته است: خواست اکثریت عظیم توده ها، زحمتکشان، کارگران و نیروهای مترقی برای استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در برابر یک رژیم دیکتاتوری جنایتکار که به تمامی آرمان های انقلاب مردم ما خیانت کرده و یک رژیم قرون وسطایی خون ریز را در ایران مستقر کرده است، قرار گرفته است.

زنده باد همبستگی جهانی پرولتری!

زنده باد روابط رفیقانه میان حزب توده ایران و

حزب کمونیست کانادا!

امنیتی بالا گرفته است. بر اساس همین گزارش ها صدام حسین در هفته های اخیر تلاش کرده است تا با تحمل هزینه های سنگین وفاداری سران این قبایل را مجدداً به رژیم جلب نماید. بر اساس ارزیابی نیروهای اپوزیسیون نارضایی در صفوف ارتش عراق روبه افزایش است و سالیانه نزدیک به ۸۰۰۰۰۰ سرباز از پادگان ها به کوه و صحرا فرار می کنند

هیئت نمایندگی حزب ...

سی و یکمین کنفرانس ملی شما در عین حال در شرایطی برگزار می گردد که ما در جهان شاهد یورش نوینی از سوی نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم برای تأمین هژمونی خود بر جهان، در پی فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق هستیم... علی رغم تصورات خوشبایرانه نیروهای امپریالیستی پیرامون «مرگ کمونیسم»، جنبش کارگری و متحدان آن، علی رغم عقب کردهای موقت، باردیگر در صحنه مبارزه حاضرند و به پیکار خود و نشان دادن راه آینده ادامه می دهند. تجربه کران ما در این سال های

ادامه اخبار خارجی ...

استان های رمادی و انبار (که از بغداد تا مرز اردن را می پوشاند) رخ داد و شدیداً توسط نیروهای امنیتی این کشور سرکوب شد. انجام می گیرد. در بغداد گفته می شود که رهبر کودتا ژنرال ترکی اسماعیل دولیمی بوده است که در پی شکست کودتا به عربستان سعودی

دیدار رفیق علی خاوری با رفیق حمید موسی، رهبر حزب کمونیست عراق

در پی دیدارهای منظم رهبری حزب توده ایران با احزاب منطقه، رفیق علی خاوری در تیرماه سال جاری با رفیق حمید موسی، رهبر حزب کمونیست عراق دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار شرایط بسیار حساس منطقه، مبارزه مردم عراق علیه رژیم دیکتاتوری صدام حسین، مبارزه مردم ایران علیه رژیم «ولایت فقیه» و آخرین تحولات دو کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این دیدار همچنین مهمترین وظایف پیش روی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی در مقابله با «نظم نوین جهانی» و ضرورت بسط و گسترش هرچه بیشتر روابط و همکاری ها میان نیروهای مترقی و پیشرو منطقه مورد بحث قرار گرفت.

ادامه گزارش بازتاب جهانی فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون خطر اعدام گروهی از زندانیان سیاسی ایران

گزارش های متعددی از بازتاب اطلاعیه مطبوعاتی کمیته مرکزی حزب توده ایران همچنان به دفتر نامه مردم می رسد که ما در اینجا خلاصه وار به گوشه هایی از آن اشاره می کنیم:

* سوئد

روزنامه سوئدی - Vasterbottens Folblad در شماره ۱۳ ژوئن خود ضمن انتشار خبر خطر مرگ برای ۴۴ زندانی سیاسی در ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر زیر پا گذاردن حقوق بشر در ایران محکوم کرد. اعضا و هواداران حزب توده ایران در سوئد بیش از ۸۰۰ امضا، از نیروهای مترقی و مردم این کشور در محکومیت جمهوری اسلامی و در حمایت از فراخوان کمیته مرکزی حزب جمع آوری کرده اند. اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (و ترجمه آن به زبان سوئدی) به مدت دو هفته به صورت اسلاید از تلویزیون محلی شهر کوتنبرگ پخش شد.

* کانادا

نمایندگان بیش از ۲۸ سازمان محلی شرکت کننده در سی و یکمین کنفرانس ملی حزب کمونیست کانادا ضمن امضای فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر زیر پا گذاردن حقوق بشر در ایران به شدت محکوم کردند.

همچنین سی و یکمین کنفرانس ملی حزب کمونیست کانادا، قطعنامه ویژه ای را در همبستگی با حزب توده ایران، مبارزات مردم ایران و برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران به تصویب رساند که متن کامل آن در شماره های بعد به چاپ خواهد رسید.

* استرالیا

خانم کریستوبل چیمرات، یکی از اعضای سرشناس مجلس سنای استرالیا در پی دریافت فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران از طریق اعضا و هواداران حزب در استرالیا، در نامه ای به آنها می نویسد: «از ارسال خبر مربوط به خطر مرگ برای ۴۴ زندانی سیاسی در ایران به دفتر من از شما متشکرم... هنگامی که دولت ها تصمیم می گیرند تا با اعدام یا مخالفان سیاسی خود یا کسانی که از حقوق و آزادی های اساسی دفاع می کنند، برخورد کنند، این عمل می بایست از سوی همه آزاد اندیشان جهان محکوم گردد. بنابراین من هم مانند شما خواهان پایان دادن به اعدام ها و آزادی تمام زندانیان سیاسی در کشور شما هستم...»

هیئت نمایندگی حزب توده ایران در سی و یکمین کنفرانس ملی حزب کمونیست کانادا

سی و یکمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست کانادا در خرداد ماه سال جاری در شهر تورنتو برگزار شد. این نشست یکی از مهمترین کنفرانس های سراسری حزب کمونیست کانادا، خصوصاً پس از بحران حزب در سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۰ بود که ادامه مبارزه و حیات حزب را به خطر انداخته بود.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت و به هنگام قرائت پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس، سخنران بارها به دنبال ابراز احساسات پرشور کمونیست های کانادایی و کف زدن های ممتد آنان متوقف شد. بخش هایی از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به شرح زیر است:

«رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به شما و از طریق شما به تمامی کارگران و زحمتکشان کانادایی، که علیه سرمایه انحصاری، علیه استثمار، و برای یک آلتوناتیو دموکراتیک و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، تقدیم می دارد. ما از صمیم قلب خوشحالیم که حزب شما علی رغم بحران حاد سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۰ که حیات حزب را به خطر انداخته بود، توانسته است با موفقیت ۳۱-مین کنفرانس ملی خود را برگزار کند و باردیگر کمونیست های کانادایی در صف مقدم مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان کانادایی در دفاع از حقوق کارگران و علیه یورش های جدید انحصارهای سرمایه داری قرار گیرند.

ادامه در ص ۷

فراخوان!

بر اساس تصمیم چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران کار تدارک و انتشار دومین جلد کتاب «شهیدان توده ای» آغاز شده است. دومین جلد کتاب «شهیدان توده ای» دربرگیرنده زندگی نامه و قهرمانی اسطوره ای شهدای توده ای در دوران سال های ۱۳۶۰ تا به امروز خواهد بود. انتشارات حزب توده ایران از همه رفقا، هواداران و دوستان حزب می خواهد تا برای غنای هرچه بیشتر دومین جلد کتاب «شهیدان توده ای»، هر خاطره، عکس، و یا یادبودی از زندگی قهرمانان خاموش حزب دارند، در اسرع وقت به دفتر «نامه مردم» ارسال دارند.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

No:458

18 July 1995

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

